



# نبرد سرخوشت؛

# عبیرِ پیرِ شهر

مجموعه پیام‌های تبیینی پیرامون  
جنگ دوم اسرائیل و آمریکا با ایران





 [payamenehzat.ir](http://payamenehzat.ir)

 @ [paiamenehzat](mailto:payamenehzat)

## فهرست

پیام اول	۴	توقفا جنگ در موقعیت کنونی ورود به یک مسیر خسارت بار و غیرقابل بازگشت است.
پیام دوم	۵	گسترده‌گی شبکه زیرساخت در کشور، باعث کاهش سطح آسیب پذیری همزمان می شود.
پیام سوم	۶	شرایط فعلی جامعه امکان مدیریت منابع انرژی را فراهم کرده است.
پیام چهارم	۷	در صورت مدیریت تنگه هرمز درآمدی چندین برابر خسارت‌های زیرساختی نصیب ایران می‌شود.
پیام پنجم	۸	عایدی حاصل از مدیریت دائمی تنگه هرمز، درآمدهایی غیر از دریافت غرامت از دشمن است.
پیام ششم	۹	با استفاده از اهرم فشار تنگه هرمز، می‌توان به نقطه بی‌معنی شدن تحریم‌ها رسید.
پیام هفتم	۱۰	علت عدم بهره‌گیری راهبردی از تنگه هرمز تا پیش از این، هزینه‌های وقوع جنگ احتمالی بوده است.
پیام هشتم	۱۱	با افزایش درآمد نفتی و عوارض تنگه هرمز بخش قابل توجهی از خسارت جنگ قابل جبران است.
پیام نهم	۱۲	با توجه به دانش فنی و بومی، بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده نیازمند زمان زیادی نیست.
پیام دهم	۱۳	دوران بازسازی در جنگ جاری قابل مقایسه دوران سازندگی بعد از دفاع مقدس نیست.
پیام یازدهم	۱۴	صنایع و زیرساخت‌ها به جهت گذار از شرایط تحریمی از استقلال قابل توجهی برخوردار است.
پیام دوازدهم	۱۵	برنده این جنگ طرفی است که بتواند در مقابل خسارت‌ها تاب آوری بیشتری داشته باشد.
پیام سیزدهم	۱۶	مردم ایران تجربه دفاع مقدس و مدیریت شرایط جنگی را در کارنامه خود دارند.
پیام چهاردهم	۱۷	استقامت در مبارزه، راهبردی قرآنی که خسارت‌های جنگ را به شکوفایی اقتصادی تبدیل می‌کند.

## توقف جنگ در موقعیت کنونی ورود به یک مسیر خسارت بار و غیرقابل بازگشت است.

آمریکا ضربه‌زدن به زیرساخت‌های کشور را به صورت جدی‌تری در دستور کار قرار داده است و اولتیماتوم‌هایی مبنی بر تخریب گسترده‌تر زیرساخت‌ها را با استعاره «بازگشت به عصر حجر» دارد مطرح می‌کند. در چنین شرایطی، از سوی برخی جریان‌های داخل کشور صدای «توقف جنگ، به هر قیمت» با این ادعا مطرح می‌شود که پیش از آنکه هزینه‌های بیشتر و ترسناک‌تری بر ما تحمیل شود، به جنگ خاتمه بدهیم. این رویکرد ظاهراً با نیت «کاهش هزینه‌های اقتصادی جنگ» مطرح می‌شود، اما در حقیقت به «دائمی‌شدن هزینه‌های اقتصادی جنگ» می‌انجامد. از دیدگاه اقتصادی، پایان دادن به جنگ در شرایط کنونی و بدون تثبیت حاکمیت کشور بر تنگه هرمز و آمریکازدایی از معادلات منطقه، کاملاً به ضرر ایران است؛ چون بدون اینکه در معادله‌ها و مناسبات تحریمی تغییری

ایجاد شود، کشور باید سال‌های متمادی زحمت بکشد تا بتواند به شرایط اقتصادی و زیرساختی که قبل از آغاز جنگ داشت، برگردد. اگر جنگ در شرایط کنونی متوقف شود و معادله تحریم اقتصادی ایران به همین صورتی که تا امروز وجود داشته پابرجا بماند، ایران یک کشور تحریم شده و تحریم‌شونده خواهد بود که بسیاری از زیرساخت‌هایش را از دست داده و هزینه‌های فراوانی را هم متحمل شده است.

بر این اساس، صحبت از توقف جنگ در شرایط پیشنهادی، ویران‌کننده برای اقتصاد ایران و صنایع کشور است و آغازی بر یک بازی سراسر باخت برای ایران خواهد بود. جنگ باید تا جایی ادامه یابد که ایران از موقعیت تحریم‌شونده به موقعیت تحریم‌کننده ارتقا یابد و این امر غیر از تضمین‌های حقوقی، نیازمند تضمین‌های عینی و خلق اهرم‌ها و ابزارهای قدرت واقعی و دائمی برای جمهوری اسلامی است. دشمن می‌خواهد با شعار «بازگشت به عصر حجر» ما را از پیامدهای ادامه جنگ بترساند، اما واقعیت آن است که توقف جنگ و پایان دادن به مقاومت در برابر نظم آمریکایی - صهیونی منطقه ایران را وارد فرآیند ویرانی و فرسودگی دائمی خواهد کرد.

SUBSCRIBE

FOREIGN  
AFFAIRS

MENU

### How Iran Should End the War

*A Deal Tehran Could Take*

M. JAVAD ZARIF

April 3, 2026



## گسترده‌گی و پراکندگی شبکه زیرساخت در کشور، باعث کاهش سطح آسیب پذیری همزمان می شود.



یکی از واقعیت‌های مهم در تحلیل امنیت ملی ایران که گاه در فضای رسانه‌ای کمتر به آن توجه می‌شود، پراکندگی جغرافیایی زیرساخت‌های حیاتی کشور است. در یک نگاه راهبردی، زیرساخت‌های حیاتی مانند شبکه‌های انرژی، حمل‌ونقل، صنایع مادر، مراکز تولیدی و تأسیسات پشتیبان در ایران به صورت گسترده و در نقاط مختلف کشور توزیع شده‌اند. این ویژگی نتیجه الزامات جغرافیایی، جمعیتی و مدیریتی سرزمین وسیع ایران است. همین پراکندگی، به طور طبیعی سطح آسیب‌پذیری هم‌زمان زیرساخت‌ها را کاهش می‌دهد. در یک کشور پهناور، برای ایجاد اختلال جدی در کارکردهای کلان، نیاز به عملیات

متعدد، گسترده و هماهنگ در مناطق مختلف وجود دارد؛ امری که مستلزم زمان، امکانات، هزینه و پیچیدگی عملیاتی بسیار بالاست. به همین دلیل، از منظر راهبردی، هدف قراردادن زیرساخت‌های کشوری با چنین گستره‌ای نه تنها دشوار، بلکه در عمل با محدودیت‌های جدی مواجه است.

در مقابل، رژیم صهیونیستی و برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس با جغرافیای بسیار کوچک و تمرکز بالای زیرساخت‌ها مواجه‌اند. همچنین به دلیل اختلاف جمعیتی و کم‌بودن جمعیت در این مناطق تعداد زیرساخت محدود و متناسب با همان جمعیت است و در مقابل ما بسیار آسیب‌پذیرتر هستند. در چنین شرایطی، فاصله‌های کوتاه، تراکم تأسیسات حیاتی و محدودیت عمق جغرافیایی باعث می‌شود که زیرساخت‌ها به شدت در معرض آسیب‌های هم‌زمان قرار گیرند. از این رو، درک درست از مزیت جغرافیایی ایران می‌تواند به روشن‌تر شدن فضای تحلیل کمک کند. گستره سرزمینی کشور، همراه با توزیع متنوع زیرساخت‌ها، نوعی «عمق راهبردی» ایجاد کرده که امکان مدیریت بحران و تداوم کارکردهای حیاتی را افزایش می‌دهد و ایران را به دلیل ویژگی‌های جغرافیایی منحصربه‌فرد، از ظرفیت قابل توجهی برای تاب‌آوری در برابر تهدیدات برخوردار می‌کند.

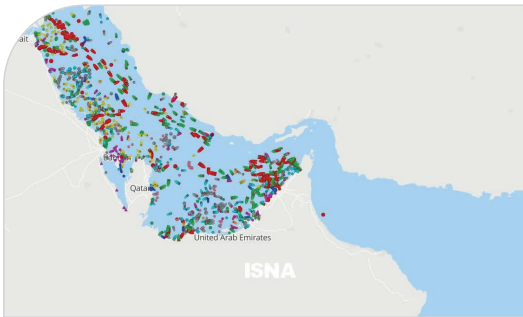
## شرایط فعلی جامعه امکان مدیریت منابع انرژی را فراهم کرده است.

باتوجه به اتمام سفرهای نوروزی، مجازی شدن مدارس و دانشگاه‌ها و دورکار شدن بخش قابل توجهی از ادارجات در سراسر کشور و اسکان اغلب مردم در خانه‌هایشان، امروز نیاز به رفت‌وآمد در کشور کاهش پیدا کرده است؛ همچنین در شرایط فعلی انواع حمل و نقل‌ها در سطح کشور با کاهش روبرو شده و صرفاً به موارد ضروری محدود است، لذا این کاهش تردها و حمل و نقل‌ها، نیاز به انرژی را طبعاً کاهش می‌دهد و نقشی مؤثر در مدیریت و توزیع بهینه و ساده‌تر انرژی دارد. علاوه بر این، باتوجه به اینکه به فصل گرما نزدیک می‌شویم و از سردی زمستان فاصله گرفته‌ایم، ضرورت استفاده از انرژی‌های گرمابخش نیز از بین رفته



است که این نیز موهبتی دلگرم‌کننده است که احتیاج به منابع انرژی را کاهش می‌دهد و در مدیریت منابع انرژی، تسهیلگری خواهد کرد. علاوه بر همه این موارد، جامعه ایران باتوجه به سنت تاریخی خود و فرهنگ برآمده از آموزه‌های اسلامی و شیعی که دارد، در همدلی اجتماعی و همکاری دلسوزانه ملی بسیار فعال است و بدون نیاز به تبلیغات و پویش‌های ملی، به صورت خودجوش در لحظات بحران، خودش را با شرایط به‌نحوی همدلانه هماهنگ می‌کند؛ لذا آحاد ملت نیز با صرفه‌جویی و مدیریت منابع انرژی، قدمی مهم در جلوگیری از ایجاد هرگونه خلل و کاستی در منابع انرژی داشته و خواهند داشت.

## در صورت مدیریت دائمی تنگه هرمز درآمدی چندین برابر خسارت های زیرساختی در سال اول نصیب ایران می شود.



پس از شروع جنگ آمریکا با ایران به خوبی بر همگان آشکار شد که تنگه هرمز یکی از مهم ترین گلوگاه های انرژی در جهان است و مدیریت مؤثر آن می تواند پیامدهای اقتصادی قابل توجهی برای ایران به همراه داشته باشد. برآوردها نشان می دهد که در صورت مدیریت دائمی این مسیر راهبردی،

امکان دستیابی به درآمد بیش از پنجاه میلیارد دلار در سال برای ایران وجود دارد. این رقم می تواند در مقایسه با خسارت های زیرساختی احتمالی ایران در جنگ اخیر، چندین برابر بیشتر باشد و ظرفیت مهمی برای جبران و بازسازی اقتصادی فراهم کند. به عنوان مثال خسارت هایی که به زیرساخت های صنعتی در حوزه فولاد و پتروشیمی های ایران تا به امروز وارد شده، رقمی در حدود ۱۰ میلیارد دلار برآورد می شود که در مقایسه با درآمد بیش از ۵۰ میلیارد دلاری از تنگه هرمز، رقمی محسوب نمی شود.

در حال حاضر نیز نشانه هایی از افزایش ظرفیت درآمدی در این حوزه دیده می شود. گزارش مؤسسه آمریکایی کوپیک-لیتر نشان می دهد که فروش نفت ایران در روزهای اخیر رشد چشم گیری داشته است. طبق این گزارش، ایران روزانه حدود ۱۳۹ میلیون دلار از محل عبور نفتکش ها از تنگه هرمز درآمد کسب می کند و در کمتر از یک ماه نزدیک به ۳۰۹ میلیارد دلار درآمد از این مسیر حاصل شده است. این روند در شرایطی رخ می دهد که بسیاری از کشورهای تولیدکننده نفت با محدودیت هایی در فروش مواجه هستند.

از سوی دیگر، میزان صادرات نفت ایران نیز افزایش یافته و به بیش از ۲۰۲ میلیون بشکه در روز رسیده است؛ رقمی که در دوره اخیر بی سابقه محسوب می شود. همزمان با این افزایش، رشد قیمت جهانی نفت نیز به تقویت درآمدهای ارزی کشور کمک کرده است. مجموع این عوامل نشان می دهد که ظرفیت های اقتصادی مرتبط با تنگه هرمز و بازار انرژی می تواند در کوتاه مدت منابع مالی قابل توجهی برای اقتصاد ایران ایجاد کند.

## عایدی حاصل از مدیریت دائمی تنگه هرمز، درآمدهایی غیر از دریافت غرامت و خسارت از دشمن است.

مدیریت مؤثر تنگه هرمز مجموعه‌ای از عایدی‌های ژئوپلیتیکی، اقتصادی و راهبردی را برای ایران ایجاد می‌کند. نخست آنکه این گذرگاه به ایران امکان می‌دهد در جایگاه یک اهرم ژئوپلیتیکی در نظم انرژی جهان عمل کند. به بیان دیگر، ایران می‌تواند از موقعیت جغرافیایی خود برای افزایش قدرت چانه‌زنی در معادلات منطقه‌ای و جهانی بهره‌بردارد. دوم، مدیریت ترافیک دریایی در این گذرگاه امکان ایجاد درآمدهای مستقیم از محل خدمات بندری، راهبری کشتی‌ها، ایمنی کشتیرانی و سایر خدمات دریایی را فراهم می‌کند. سوم، تسلط عملیاتی بر این مسیر حیاتی می‌تواند به افزایش سهم ایران در بازار جهانی نفت و گاز و تسهیل صادرات انرژی منجر شود. چیزی که امروز در برخی آمارها وجود دارد و فروش نفت ایران را بیش از ۲ میلیون بشکه اعلام می‌کند که در سالهای اخیر بی‌سابقه است. علاوه بر این، نقش آفرینی در تأمین امنیت کشتیرانی و کاهش ریسک‌های عبور نفتکش‌ها می‌تواند به شکل‌گیری بازار خدمات امنیت دریایی و آثار مثبت در حوزه بیمه و حمل‌ونقل منجر شود. حتی برخی شرکت‌های بیمه‌ای از خود ایران می‌توانند در این امور نقش آفرینی داشته باشند. در نهایت، مدیریت کارآمد این تنگه به معنای تبدیل یک مزیت جغرافیایی طبیعی به سرمایه‌ای راهبردی و پایدار برای اقتصاد و قدرت ملی است.

در کنار همه این منافع، موضوع مهم دیگری نیز مطرح می‌شود که ماهیتی متفاوت دارد و آن مسئله غرامت و خسارت ناشی از تجاوز به خاک کشور است. در ادبیات حقوقی، خسارت به جبران کامل زیان‌های مادی و مستقیم ناشی از اقدامات خصمانه دشمن اشاره دارد، در حالی که غرامت می‌تواند شامل پرداخت‌هایی برای جبران تبعات گسترده‌تر، هزینه‌های تحمیل‌شده و آثار فراتر از خسارات مستقیم باشد. در جنگ اخیر بین ایران و آمریکا، کشور عزیز ایران متحمل خسارات مختلفی در زیرساخت و غیر آن شده است که بر اساس اصول پذیرفته‌شده حقوق بین‌الملل، دولت متجاوز موظف است تمامی خسارات ناشی از جنگ و اقدامات غیرقانونی خود را تا سقف کامل جبران کند. در چنین چارچوبی، مدیریت و کنترل مؤثر تنگه هرمز می‌تواند به عنوان یک ابزار عملی برای تضمین اجرای این حق عمل کند، زیرا این گذرگاه یکی از حیاتی‌ترین شریان‌های انرژی جهان است و کنترل آن قدرت لازم برای الزام طرف متجاوز به پذیرش مسئولیت و پرداخت خسارات را فراهم می‌سازد. بنابراین، دریافت غرامت و خسارت از متجاوز، مقوله‌ای مستقل از عایدی‌های اقتصادی تنگه هرمز است، اما همین موقعیت راهبردی می‌تواند تحقق و تضمین آن را امکان‌پذیر کند.

## با استفاده از اهرم فشار تنگه هرمز، می توان به نقطه

## بی معنی شدن تحریم ها رسید.

## India makes first Iranian oil purchase in seven years with no payment problems

PUBLISHED SAT, APR 4 2026-6:58 AM EDT

REUTERS

WATCH LIVE

## KEY POINTS

- Supply disruptions from the U.S.-Israel war have hit the South Asian nation hard.
- Last month, the U.S. temporarily removed sanctions on Iranian oil and refined products to ease supply shortages.

سی‌ان‌بی‌سی: هند اولین خرید نفت از ایران را پس از هفت سال بدون هیچ گونه مشکلی در پرداخت انجام داد.

با تسلط ایران بر کلیه عبور و مرورها از تنگه هرمز، اهرم فشاری به نفع ایران ایجاد شده است که قدرت بی معناسازی تحریم های آمریکایی را به وجود آورده است. امروز که تنگه هرمز تحت کنترل نیروهای نظامی ایران قرار دارد، قوانین عبور و مرورها از جانب ایران تعیین می شود و چنانچه قرار باشد آمریکا با اعمال تحریم های ظالمانه خود که مانع تعامل کشورهای جهان با ایران می شود، همچنان ملت ایران را تحت فشار قرار دهد، ایران نیز حق مشروع خود می داند که اجازه عبور و مرور کشتی ها و نفت کش هایی که در جهت منافع کشورهای متحد آمریکا را صادر نکند؛ بنابراین رژیم امنیتی جدیدی که در تنگه هرمز برقرار شده است، معادلات قدرت نوبی را بازتعریف کرده است و زمینه ای

ایجاد کرده که اساساً تحریم های آمریکا علیه ایران به حاشیه برود و امروز شاهد این باشیم که هند پس از هفت سال، به سراغ خرید نفت ایران آمده و بدون هیچ مشکلی، پرداخت خود را انجام داده است. کشورهای اروپایی نیز اگر می خواهند منافع آنها در تنگه هرمز برقرار بماند و بازار انرژی جهانی دچار اختلال روزافزون نشود، باید مشکل خود با آمریکا در خصوص ارتباط و معامله با ایران را خودشان حل کنند. هیچ منطقی پشتیبان این موضوع نیست که ایران امنیت کشورهای را در تنگه هرمز تأمین کند که آنها خود متحدان آمریکا هستند، قوانین ظالمانه تحریم آمریکا را پذیرفته اند و مقاصد خصمانه ای علیه مردم ایران دنبال می کنند تا ثبات امنیت ملی و امنیت اقتصادی ایرانیان را تحت شعاع قرار دهند؛ بنابراین همان طور که هند مجبور به بازگشت سوی ایران شد و عملاً تحریم های ثانویه آمریکا را بی معنا کرد، به زودی شاهد تکرار این قبیل اتفاقات بر اثر اهرم فشار تنگه هرمز خواهیم بود.

## عادت عدم بهره‌گیری راهبردی از دارایی تنگه هرمز تا پیش از این، به جهت هزینه‌های وقوع جنگ احتمالی بوده است.

تا پیش از وقوع جنگ جاری، همواره گزینه کنترل ایران بر تنگه هرمز در ساختار حکمرانی کشور مطرح می‌شد و این پیشنهاد تأکید داشت که ایران با اعمال کنترل هوشمند بر تنگه هرمز، می‌تواند اهرم فشاری در برابر تحریم‌های ظالمانه آمریکا خلق کند و منافع ملی آحاد مردم کشورش را تأمین کند. اما چالش پیش روی این پیشنهاد این بود



که این اقدام می‌توانست منجر به درگرفتن یک جنگ نظامی علیه ایران و شکل‌گیری اجماع جهانی علیه کشور شود و در نتیجه ایران نه تنها در احقاق حقوقش ناکام بماند و این فرصت ژئواستراتژیک را از دست بدهد، بلکه در جنگی خسارت‌بار بیفتد و اجماع جهانی نیز علیه آن شکل بگیرد. به همین دلیل جمهوری اسلامی طی سال‌های متمادی، صبری استراتژیک به خرج داد تا از این اهرم راهبردی، در زمانی استفاده کند که اجماع جهانی، اقدام آنها را مشروع قلمداد کند، همان‌طور که امروز این انسداد و کنترل‌گری هوشمندانه، اقدامی مشروع در سطح جهان دانسته شده است؛ بنابراین حالا که یک جنگ گسترده علیه ایران درگرفته است و تسلط ایران بر تنگه هرمز نیز با مشروعیت رقم خورده است، دیگر دلیلی برای خویشتن‌داری جمهوری اسلامی در تنگه هرمز وجود ندارد و ایران نیز از این پس هیچگاه این اهرم راهبردی فشار را از دست نخواهد داد و از این پس، رژیم امنیتی خلیج فارس به سود ایران عمل خواهد کرد تا حقوق زائل شده ایرانیان احقاق گردد و تحریم‌های ظالمانه آمریکا بی‌اثر و بی‌معنا شوند.

## با افزایش درآمد نفتی و عوارض تنگه هرمز در یک ماه اخیر بخش قابل توجهی از خسارت جنگ قابل جبران است.



درآمد نفتی چندین میلیارد دلاری ایران در کمتر از یک ماه

◆ بلومبرگ: ایران در کمتر از یک ماه از حمله آمریکا و اسرائیل علیه این کشور حدود ۳٫۹ میلیارد دلار درآمد نفتی کسب کرده است.

تسلط ایران بر تنگه هرمز هم‌زمان دو کارویژه داشته است؛ یکی سلبی و ایجاد فشار بردشمنان در دسترسی به منابع انرژی و محصولات برآمده از آن و دیگری ایجابی برای ایران که باعث افزایش درآمدهای نفتی شده و حتی محموله‌های ذخیره‌شده در ناوگان سایه ایران در آب‌های آزاد را وارد چرخه تشنه بازار انرژی کرده است. در بخش ایجابی یک جهش مهم دیگر هم رخ داده و آن دریافت عوارض از کشتی‌هایی است که با اجازه ما توانسته‌اند عبور کنند. این بخش دوم ایجابی خود منبعی پایدار، آزاد از هرگونه تحریم پیشینی و آتی است که حسب برخی پیش‌بینی‌ها می‌تواند در جمع از ۲۵ تا ۱۰۰ میلیارد دلار سالیانه برای ایران درآمد جدید ایجاد کند.

حال آن‌که درآمد معمول کشور از محل فروش نفت و گاز حداکثر ۴۵ میلیارد دلار است؛ عددی که باید از آن هزینه‌های استخراج و آماده‌سازی را هم کم کرد به خلاف عوارض دریافتی. اگر بخواهیم تصویری از هزینه‌های ساخت (نه حتی تعمیرات که بسیار کمتر است) برای واحدهای زیرساختی داشته باشیم اعداد تقریبی زیر بسیار راه‌گشا است:

واحد متانول: ۹۰۰ میلیون دلار، واحد پلیمر متوسط: ۵۰۰ میلیون دلار، واحد الوفین بزرگ: ۱٫۶ میلیارد دلار، ساخت مجتمع کامل مشابه یک فاز بزرگ ماهشهر: ۴٫۵ میلیارد دلار، یک واحد نیروگاهی مشابه بزرگ‌ترین نیروگاه برق فعلی کشور: ۶۵۰ میلیون دلار، یک پل ۳۵۰ متری مشابه B1 کرج: حدود ۸ میلیون دلار و ساخت کارخانه سیمان ۳۵۰۰ تنی: حدود ۱۸۰ میلیون دلار.

درنگاهی دیگر ارزش بوری برخی مجموعه‌های صنعتی آسیب‌دیده اعم از پتروشیمی‌ها، داروسازی‌ها، فولادها و مانند آن تا اعدادی مانند ۱۱۴۰ همت برآورد شده است. با همان فرض غیرواقعی تخریب صد درصد و لحاظ برخی خسارات دیگری می‌توان مدعی ۱۰ میلیارد دلار خسارت زیرساختی شد. بدین ترتیب حتی با درآمد یک‌ماهه اخیر ایران از محل دریافت عوارض و نیز فروش‌های جدید نفت، هزینه بازسازی بخشی از زیرساخت‌های آسیب‌دیده را تأمین کرد، چه رسد به وضعیت پایدار پس از جنگ.

## باتوجه به دانش فنی و بومی متخصصین داخلی، بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده نیازمند زمان زیادی نیست.

در بسیاری از منازعات نظامی، هنگامی که موازنه در میدان نبرد به زیان یک طرف تغییر می‌کند، سطح تهدیدها به حوزه‌های غیرنظامی و زیرساختی منتقل می‌شود. در چنین شرایطی، ادبیات تهدید نیز از سطح نظامی به سطح غیرنظامی، زیرساختی، روانی و نمادین ارتقا می‌یابد. یکی از رایج‌ترین این ادبیات، تهدید به «بازگرداندن کشور هدف به عصر حجر» است؛ این تهدید هرچند برای برخی کشورها ممکن



است واقعی باشد، اما برای کشوری مانند ایران، بیش از آنکه یک واقعیت فنی باشد، یک سازه گفتمانی برای ایجاد هراس اجتماعی و فرسایش روانی جامعه محسوب می‌شود. هدف اصلی آمریکا بیشتر از تخریب فیزیکی تمامی زیرساخت‌ها، تخریب احساس امنیت جمعی و ایجاد تصور فروپاشی کارکردهای حیاتی جامعه است. در واقع، این تهدیدها می‌کوشند میان دولت، زیرساخت‌ها و اعتماد اجتماعی فاصله ایجاد کنند. وقتی جامعه تصور کند که زیرساخت‌های حیاتی به طور کامل نابودشدنی و غیر قابل بازسازی هستند، سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری ملی تضعیف می‌شود.

تجربه‌های تاریخی و ظرفیت‌های فنی کشور ایران نشان می‌دهد که چنین ادعاهایی اغراق‌آمیز و نادرست است. زیرساخت‌های مدرن، هرچند ممکن است آسیب‌پذیر باشند، اما در عین حال قابلیت بازسازی بالایی دارند. دانش فنی بومی، شبکه متخصصان داخلی و تجربه‌های پیشین در اجرای پروژه‌های بزرگ صنعتی و انرژی، تحریم‌های گذشته و... در ایران ظرفیت‌های مهمی برای بازسازی سریع به شمار می‌روند. تجربه ساخت پروژه‌های عظیم صنعتی در بازه‌های زمانی کوتاه، نشان می‌دهد که در صورت وقوع آسیب، بازسازی زیرساخت‌ها در ایران می‌تواند در دوره‌ای نسبتاً محدود انجام شود. جامعه‌ای که به توان مهندسی، ظرفیت مدیریتی و سرمایه انسانی خود اعتماد داشته باشد، کمتر تحت تأثیر جنگ روانی قرار می‌گیرد و تهدیدهای بزرگ‌نمایی‌شده کارکرد خود را از دست می‌دهند و به جای ایجاد هراس جمعی، بیشتر به عنوان بخشی از ادبیات جنگ روانی فهم می‌شوند.

## دوران بازسازی در جنگ جاری قابل مقایسه دوران سازندگی بعد از دفاع مقدس نیست.

جنگ‌ها اغلب با دو مرحله متمایز تحلیل می‌شوند: مرحله تخریب و مرحله بازسازی. آنچه در مرحله دوم اهمیت می‌یابد، ظرفیت‌های نهادی، فنی و اقتصادی جامعه برای بازگرداندن زیرساخت‌ها و احیای نظم تولیدی است. تجربه تاریخی ایران پس از پایان جنگ تحمیلی در دهه ۱۳۶۰ یکی از نمونه‌های کلاسیک دوره بازسازی در شرایط محدودیت منابع و زیرساخت‌های آسیب‌دیده بود. با این حال، مقایسه آن دوره با شرایط امروز نشان می‌دهد که جامعه ایرانی اکنون از منظر ظرفیت‌های توسعه‌ای در موقعیتی متفاوت قرار دارد.

در سال‌های پس از دفاع مقدس، کشور با کمبود گسترده زیرساخت‌های صنعتی، محدودیت شدید سرمایه‌گذاری و ضعف نسبی در فناوری‌های بومی روبه‌رو بود. بسیاری از صنایع کلیدی هنوز در مراحل اولیه شکل‌گیری قرار داشتند و بخش مهمی از دانش فنی در حوزه‌های پیچیده صنعتی و انرژی به خارج از کشور وابسته بود؛ بنابراین، پروژه بازسازی در آن زمان بیشتر به معنای ایجاد زیرساخت‌های پایه‌ای توسعه بود.

اما طی چند دهه گذشته، ساختار اقتصادی و فناوریانه کشور دگرگونی قابل توجهی را تجربه کرده است. توسعه صنایع بزرگ انرژی، گسترش شبکه‌های حمل‌ونقل، شکل‌گیری شرکت‌های مهندسی و پیمانکاری قدرتمند، و تربیت نسل گسترده‌ای از متخصصان در حوزه‌های فنی و مدیریتی، ظرفیت‌های بازسازی را به شکل چشمگیری افزایش داده است. در واقع، آنچه امروز وجود دارد («زیرساخت دانشی») و «سرمایه انسانی متخصص» است که فرآیند بازسازی را به مراتب سریع‌تر و کارآمدتر می‌کند.

هرچه جامعه‌ای در مسیر صنعتی شدن و انباشت تجربه نهادی پیش برود، توانایی آن برای مدیریت بحران‌ها و بازسازی پس از تخریب نیز افزایش می‌یابد. تجربه اجرای پروژه‌های عظیم صنعتی و انرژی در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که شبکه‌ای از دانش فنی بومی، مدیریت پروژه و توان مهندسی در کشور شکل گرفته که امکان بازسازی سریع زیرساخت‌ها را فراهم می‌کند.

به همین دلیل، مقایسه وضعیت امروز با دوره سازندگی پس از دفاع مقدس از نظر تحلیلی چندان دقیق نیست. جامعه ایران اکنون در مرحله‌ای از بلوغ نهادی و فنی قرار دارد که می‌تواند فرآیند بازسازی را با سرعت، تجربه و ظرفیت اقتصادی بیشتری مدیریت کند. در این چارچوب، بازسازی در شرایط کنونی بیش از آنکه به معنای «آغاز از نو» باشد، نوعی «بازآرایی سریع ظرفیت‌های موجود» خواهد بود؛ ظرفیتی که حاصل چند دهه انباشت دانش، تجربه و توانمندی ملی است.

## صنایع و زیرساخت‌ها به جهت گذار از شرایط تحریمی از استقلال قابل توجهی برخوردار است.

مسیر تحول صنایع در بستر فشارهای بیرونی، یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری «ظرفیت‌های بومی» و «استقلال سازمانی» تلقی می‌شود. تجربه چند دهه اخیر ایران نشان می‌دهد که تحریم‌ها، با وجود هزینه‌های اقتصادی، نقش مهمی در شتاب بخشی به فرایند بومی‌سازی و تاب‌آوری نهادی صنایع داشته‌اند. به بیان دیگر، ساختار صنعتی



کشور نه در خلأ، بلکه زیر فشار مستمر محدودیت‌های تکنولوژیک، تجهیزاتی و مالی شکل گرفته و همین امر آن را به الگوی خاصی از توسعه مبتنی بر خوداتکایی تبدیل کرده است.

در دهه‌های ابتدایی پس از انقلاب، بسیاری از صنایع کشور به شدت وابسته به واردات قطعات کلیدی، دانش فنی و نظام‌های طراحی بودند. تحریم‌های اولیه، صنایع را در وضعیت «شکاف تکنولوژیک» قرار داد و ظرفیت تولید داخلی در بسیاری از حوزه‌ها محدود بود. اما از دهه ۱۳۷۰ به بعد، صنایع به تدریج وارد مرحله‌ای از یادگیری سازمانی شدند؛ مرحله‌ای که در آن شرکت‌های مهندسی، پژوهشگاه‌ها و دانشگاه‌ها نقش فزاینده‌ای در انتقال و بازتولید دانش ایفا کردند. با تشدید تحریم‌ها در دهه‌های بعد، صنایع بزرگ کشور - از انرژی گرفته تا حمل‌ونقل، سازه‌های سنگین، تجهیزات پیشرفته و زیرساخت‌های شبکه‌ای - به سمت ایجاد حلقه‌های کامل‌تر فناوری حرکت کردند. این حرکت شامل طراحی، مهندسی معکوس، ساخت، نصب و بهره‌برداری بود؛ فرایندی که با عنوان «بلوغ زنجیره فناوری» شناخته می‌شود. نتیجه این تحول، ظهور مجموعه‌ای از سازمان‌ها و شرکت‌های بومی بود که نه تنها قادر به جایگزینی تجهیزات خارجی شدند، بلکه توان طراحی سیستم‌های کامل و اجرای پروژه‌های عظیم ملی را نیز به دست آوردند.

استقلال صنعتی امروز محصول انباشت تاریخی تجربه، شکل‌گیری سرمایه انسانی متخصص، و ایجاد ساختارهای فنی و مدیریتی است که تحریم‌ها ناخواسته آن را تسریع کردند. در این چارچوب، بسیاری از زیرساخت‌های حیاتی کشور اکنون دارای چرخه کامل فناوری از مرحله طراحی تا بهره‌برداری هستند؛ چرخه‌ای که موجب می‌شود صنایع توان تطبیق بالایی در مواجهه با تخریب زیرساخت‌ها در زمان جنگ داشته باشند.

## برنده این جنگ طرفی است که بتواند در مقابل خسارت های زودگذر تاب آوری بیشتری داشته باشد.



در جنگ هایی که ماهیت فرسایشی به خود می گیرند، توانایی مقاومت در برابر خسارت های زودگذر، به یکی از تعیین کننده ترین عوامل پیروزی تبدیل می شود. در شرایطی که یک کشور ما مورد هجوم دشمن صهیونی آمریکایی قرار گرفته، انتظار اینکه روند جنگ همیشه در مسیر دلخواه و بدون هیچ گونه آسیب و خسارتی پیش برود، واقع بینانه نیست.

جنگ ذاتاً با سختی ها، تلفات و آسیب های مادی و انسانی همراه است.

اما نکته حیاتی آنجاست که میزان تاب آوری در برابر این خسارت ها چگونه است؟! کشوری که بتواند با اتکا به عزم ملی، انسجام اجتماعی و برنامه ریزی دقیق، آسیب های وارده را تحمل کرده و روند بازسازی و ترمیم را آغاز کند، شانس بیشتری برای پیروزی خواهد داشت. خسارت های زودگذر، چه در حوزه زیرساخت ها و چه در سطح انسانی، اگرچه دردناک و چالش برانگیز هستند، اما در صورت وجود تاب آوری کافی، قابل جبران خواهند بود.

در مقابل، کشوری که تاب آوری پایینی دارد، حتی با تحمل خسارت های نسبتاً کم، دچار فروپاشی روانی، اجتماعی یا اقتصادی می شود. این وضعیت، دشمن را در رسیدن به اهداف خود یاری می رساند، حتی اگر خود نیز متحمل خسارت شده باشد. بنابراین، مولفه کلیدی موفقیت در جنگ های مدرن، نه صرفاً توانایی اولیه در حمله، بلکه ظرفیت بالای مقاومت و بازیابی پس از وارد آمدن ضربه است. این تاب آوری نه تنها به منابع مادی و توان مهندسی برای بازسازی بستگی دارد، بلکه تا حد زیادی به روحیه عمومی، باور به اهداف مقاومت و انسجام ملی وابسته است. مردمی که درک می کنند خسارت های وارده موقتی هستند و قابل ترمیم، و همچنین معتقدند که پیروزی نهایی در گرو همین استقامت است، می توانند اراده دشمن را در هم بشکنند. در نهایت، برنده جنگ، طرفی است که بتواند مدت زمان بیشتری در برابر فشارهای وارده مقاومت کند و با وجود تحمل خسارت های اولیه، انگیزه و توان لازم برای ادامه نبرد و بازیابی را حفظ نماید. این همان معنای واقعی تاب آوری در پیچیدگی های یک جنگ تمام عیار است.

## مردم ایران تجربه دفاع مقدس و مدیریت شرایط جنگی را در کارنامه خود دارند.

جنگ هشت‌ساله ایران و عراق، یک فرایند اجتماعی - تاریخی عمیق بود که مجموعه‌ای کم‌نظیر از تجربیات نهادی، اجتماعی و اقتصادی را برای کشور و جامعه ایران به همراه آورد. این تجربه، در بستر کمبودها، فشارهای خارجی و تهدیدهای مستمر شکل گرفت و به تدریج نوعی دانش زیسته جنگ را در سطوح مختلف حاکمیت و جامعه تولید کرد.



در سطح حاکمیتی، جنگ ایران و عراق موجب شکل‌گیری سازوکارهای مدیریت بحران، توزیع منابع محدود، اولویت‌بندی نیازهای حیاتی و تصمیم‌گیری در شرایط عدم قطعیت شد. نهادهای اجرایی کشور، ناگزیر آموختند چگونه با کمبود انرژی، غذا، ارز، تجهیزات و زیرساخت‌ها کنار بیایند و هم‌زمان حداقلی از کارکردهای اساسی دولت را حفظ کنند. این تجربه، نوعی «عقلانیت اضطراری» را شکل داد که در شرایط تهدید، سرعت عمل و انعطاف نهادی را افزایش می‌دهد.

در سطح اجتماعی، جنگ هشت‌ساله به تقویت تاب‌آوری جمعی انجامید. جامعه ایران در آن دوره، شیوه‌های متنوعی از سازگاری با فشارهای اقتصادی، جیره‌بندی، مهاجرت‌های اجباری، از دست دادن منابع و ناامنی را تجربه کرد. شبکه‌های غیررسمی همیاری، خانواده‌محوری، اعتماد اجتماعی در سطح محلی و مشارکت داوطلبانه، نقش مهمی در حفظ انسجام اجتماعی ایفا کردند. این الگوها نشان دادند که جامعه ایرانی، در شرایط بحران، توانایی بازتولید نظم اجتماعی را دارد.

از منظر اقتصادی، تجربه جنگ موجب شکل‌گیری الگوهای اقتصاد مقاومتی عملی شد؛ از جایگزینی واردات و خوداتکایی صنعتی گرفته تا مدیریت مصرف و سازوکارهای توزیع عادلانه‌تر منابع محدود. این تجربیات، هرچند پرهزینه بودند، اما به شکل‌گیری حافظه نهادی ارزشمندی انجامید که در شرایط مشابه قابل فعال‌سازی است.

در صورت تهاجم به زیرساخت‌های کشور در مقطعی از جنگ احتمالی جدید، این سرمایه تاریخی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند. تجربه جنگ هشت‌ساله نشان می‌دهد که ترکیب یادگیری نهادی حاکمیت و مشارکت فعال مردم قادر است فشارهای شدید را مدیریت کند. جامعه و دولت ایران، با اتکا به این تجربیات انباشته، می‌توانند مسیر عبور از بحران را - هرچند دشوار - با انسجام، عقلانیت و تاب‌آوری طی کنند.

## استقامت در میدان مبارزه، راهبردی قرآنی که خسارت های جنگ را به غنایم و شکوفایی اقتصادی تبدیل می کند.

در هنگام بروز تقابل و جنگ، بسیاری از افراد نگران هزینه های مادی و خسارت های وارد بر زیرساخت ها می شوند. در این میان، عده ای نیز با بزرگ نمایی این هزینه ها و ترساندن مردم، در شیپور انفعال و تسلیم می دمند و جنگ را یک «مزامحم پرهزینه» می دانند که هر طور شده باید پایانش داد، تا اراده جامعه را سست کنند. اما رجوع به منطق روشن و بن بست شکن قرآن کریم، این عامل خطرناک و خطای محاسباتی را به طور کامل خنثی می کند.

قرآن کریم به جای هراس از هزینه های نبرد، وعده ای قطعی می دهد که محور و شاه کلید آن تنها یک چیز است: استقامت در میدان. پروردگار متعال می فرماید: «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (الجن: ۱۶). این آب گوارا و رحمت جوشان، نمادی از سرازیر شدن گشایش ها و برکات بی کران پس از پایداری است. ثمره این پایداری، دستاوردهایی است که قرآن با کلیدواژه «مغانم» از آن یاد می کند: «وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يُأْخَذُونَهَا» (الفتح: ۱۹) و در آیه بعد نوید می دهد: «وَعَدَّكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ» (الفتح: ۲۰). مسأله اساسی این است که مردم نباید نگران هزینه های جنگ و آسیب زیرساخت ها باشند؛ زیرا درآمدها و عایدی های حاصل از این ایستادگی، نظیر درهم شکستن تحریم هایی که سالیان دراز با صرف مذاکره باز نشدند و همچنین افزایش درآمدهای کلان ملی در سایه اقتدار و امنیت پایدار مانند تلسط بر تنگه هرمز و افزایش فروش نفت و سرمایه گذاری، آن قدر عظیم است که نه تنها هزینه ها را به سرعت جبران می کند، بلکه باعث رونق و جهش اقتصادی خواهد شد.

آری، مبارزه بی شک با خود سختی هایی دارد، اما خداوند تصور مادی ما را از پدیده جنگ عوض می کند و نشان می دهد در دل این تلخی های ظاهری، خیری بی بدیل نهفته است؛ آنجا که می فرماید: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَ هُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ وَ عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ» (البقره: ۲۱۶). مقاومت، همواره عافیت طلبی را مغلوب خیر کثیر خود می سازد.